



AET2
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part II

Monday 04 June 2018 9:00 to 12:00 pm

Paper MES32

Advanced Persian Language

Answer *all* questions.

Write your number ***not*** your name on the cover sheet of ***each*** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

1 Read the following **unseen** passage and answer in **Persian** the **five** questions below [15 marks].

- ۱ از ایده‌های مبتکرانه نیچه مفاهیمی چون نیهیلیسم است که مطابق آن تمامی ارزش‌های متعالی بی‌اعتبار می‌شوند و فرض وجود هرگونه غایتی منتفی است و برای پرسش «چرا؟» هیچ پاسخی در کار نیست. نیچه جهان افلاطونی را واژگون می‌کند زیرا به باور او هیچ مفهوم قائم به ذاتی وجود ندارد که بتوان آن را الهی یا تجسم اخلاقیات دانست و چون دنیای متعالی فاقد هرگونه معناست، پس حقیقت دیانت و فلسفه که بر شالوده ارزش‌های این دنیا بنا شده‌اند خواه ناخواه از درجه اعتبار ساقط می‌شوند.
- ۵ ولی در تفکر نیچه مفهومی وجود دارد که همواره برایم سرشار از ابهام بوده است: مفهوم «بازگشت ابدی، همان». مفهوم بازگشت ابدی در تفکر هندی از قانون کارما تبعیت می‌کند و مطابق با این قانون سرنوشت انسان در زندگی بعدی تعیین می‌شود. از نظر نیچه، هر چیز و هر لحظه عیناً و بی‌هیچ تغییری بارها و بارها تا بی‌نهایت بازمی‌گردد. نیچه نخست هرگونه غایت‌شناسی را با قطعیت رد می‌کند. نه آغازی هست نه پایانی نه پیشرفتی. بدون غایت نه روحی در تاریخ هست، نه خلقتی و نه پایانی برای دنیا.
- ۱۰ مفهوم «بازگشت ابدی» برای من طنین آشنای سخنان شاعر و اندیشمند دیگری را دارد که با افکار اندیشمند آلمانی بی‌شباهت نیست: عمر خیام. خیام مفهوم بازگشت ابدی را هفت قرن پیش از نیچه، از زاویه‌ای دیگر طرح می‌کند که به عقیده من معقول‌تر است. او بازگشت مدام حوادث و وضعیت‌های مشابه را با ضرباهنگ جنون‌آمیز استمرار نهیب می‌زند. این دو متفکر در وارونه ساختن دنیای افلاطونی و انکار هرگونه حقیقت متعالی و رد هرگونه غایت‌شناسی نیز وجه اشتراک دارند. درک تفکر خیام، با وجود سادگی گمراه کننده آن، سخت دشوار است. به ماسه نرم می‌ماند که از میان انگشتان فرو می‌ریزد. هرچه در نگه داشتنتش بیشتر بکوشی، زیر ظاهر دیدگاهی که در نگاه اول و از قرائت سطحی و اولیه آن دریافت می‌شود، بیشتر از دستت فرو می‌لغزد. پیام او روشن است: این جهان نه آغازی دارد و نه پایانی. همه چیز گذراست. مرگ در هر لحظه و آن در کمین است و در سرشارترین لحظه‌های زندگی بی‌رحمانه از کمینگاه خود برون می‌جهد. همه چیز محکوم به فناست. غایت و آخرتی، فردوس و دوزخی، در کار نیست.
- ۱۵ جهان بینی خیامی از وارون‌سازی کامل نظام هستی‌شناختی جهان حکایت دارد. این متفکر ایرانی نظام «افلاطونی» جهان را به کلی زیر و رو می‌کند. جابه‌جاسازی خیام نوعی به‌تعلیق درآوردن «آن»ی است که از استمرار می‌گریزد؛ استمراری که تکرار و بازگشت ابدی پدیده‌های مشابه است. اما آنکه بی‌وقفه تکرار می‌شود و بازمی‌گردد، انسان نیست. خیام مدام تکرار می‌کند که ما دیگر هرگز بر صحنه تماشاخانه جهان بازمی‌گردیم؛ «بازگشت ابدی، همان» چنانکه نیچه می‌پندارد در اندیشه خیام جایی ندارد، بلکه حوادث مشابه در تکرار مدام و ابدی‌اند.
- ۲۰
- ۲۵
- ۳۰
- ۳۵

Adapted from Nietzsche and Iranian World in

<http://www.persianpersia.com/artandculture/adetails.php?articleid=28948&parentid=1&catid=125>

(accessed on 16/01/2018)

Questions

- ۱) نیهیلیسم چیست؟
- ۲) بازگشت ابدی یعنی چه؟
- ۳) نیچه و خیام از چه نظر به هم شباهت دارند؟
- ۴) نویسنده درک اندیشه خیام را به چه تشبیه می کند و چرا؟
- ۵) جهان بینی خیام چگونه است؟

(TURN OVER)

SECTION B

2 Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks]

۱
۵
برخی جمله ها به زیبایی بیانگر تفاوت نگرش انسان دیروز یا همان انسان سنتی با انسان امروز یا به عبارتی مدرن می باشد. انسان بدهکار به خدا و انسان طلبکار از او. انسانی که خود را در همه حال مقصر می بیند و ریشه تمام مشکلات را در درون خود جستجو می کند و انسانی که خسته از مبارزات درونی، به دنبال مقصر در دنیایی خارج از دنیای درون خویش می گردد.

۱۰
ساختار جهان آفرینش به نحوی تنظیم شده است که هیچگاه مطلوبیت کامل برای ما حاصل نمی شود. به عبارت دیگر انسان ها همواره در طول زندگی خود با پدیده هایی مواجه هستند که مطابق با میل و خواسته آنها نیست. این پدیده های نامطلوب می توانند پدیده هایی طبیعی، اجتماعی و یا حتی روانی و فردی باشند. حال سوالی که مطرح است این است که در برخورد با این پدیده ها چه باید کرد؟

از قدیم الایام راه حل های مختلفی در مورد این مساله عرضه شده است، اما راه حل هایی که ارائه می شود از دو حال خارج نیستند. هنگامی که انسان چیزهایی را می بیند که نمی خواهد و چیزهایی را می خواهد که نمی بیند، دو راه پیش رو دارد: انسان یا باید عالم را عوض کند یا خودش را.

۱۵
۲۰
برای تبیین تفاوت دیدگاه انسان سنتی با انسان مدرن می توان از گروهی به نام رواقیون نام برد. رواقیون اعتقاد داشتند که انسان از آن رو که انسان است قلمرو توانایی بسیار محدودی دارد و گستردگی و پیچیدگی جهان هستی به گونه ایست که اجازه نمی دهد جهان همچون موم در دستان او قرار بگیرد. به عبارتی ما کارگران کارخانه ای هستیم که توانایی عوض کردن رئیس کارخانه را نداریم. در عوض با ریاضت کشیدن کاری می کنیم که از همین رئیس خوشمان بیاید.

Adapted from, "ensan-e emruz va diruz",

<http://www.aftab-magazine.com/articles/2007114.html> (accessed 18/01/2018).

3 Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks].

- ۱ **مشد حسن:** اونارو نده بهش، مریضش می کنه.
مشد عباس: چه خبرته مشد حسن؟ اخمات تو همه؟
مشد حسن: بازم این لامصب پوروسیا پیداشون شده.
مشد عباس: پوروسی؟ کجا؟
۵ **مشد حسن:** برگشتنی بالای تپه دیدمشون.
مشد عباس: چند نفر بودن؟
مشد حسن: همون سه تاییا، مثل همیشه.
مشد جبار: می بینی کدخدا؟ هی من می گم فکری، چاره ای، بکنین هیشکی گوش نمی ده. حالا چه کار بکنیم؟
۱۰ **کدخدا:** خدا خودش باید چاره بکنه. ما چیکار می تونیم بکنیم. این پوروسیا که دین و ایمون حسابی ندارن.
مشد جبار: اگه مام هیچ کاری نکنیم روشن زیادتتر می شه، اومدن سه تا گوسفند منو بردن. من خونه خراب شدم و هیشکی هیش کاری نکرد حالام لابد نوبت گاو مشد حسنه. خلاصه بگم، من تا اسم پوروسی رو می شنفم خون خونمو می خوره، هر طور شده باهاس تلافیشو درآرم.
۱۵ **پسر مشد صفر:** تو مثل سگ از پوروسی ها می ترسی. چه کارشون می تونی بکنی؟
مشد جبار: حالا می بینی.
صدای همهمه و سر و صدایی که از منتهی پیش بلند شده بود، بلند تر می شود. همه به طرف صدا نگاه می کنند...
۲۰ یک عده بچه، بزرگ و کوچک، سه عدد مترسک بزرگی را که آتش زده اند، از کوچه ای داخل محوطه استخر می شونند. مترسک ها را دوان دوان دور استخر می گردانند و جیغ و داد می کنند...
مشد حسن: هی اون فانوس رو بیار ببینم زن!
زن مشد حسن با فانوس روشن بیرون می آید و زیر لب سلام می کند.
۲۵ مشد حسن بدون جواب سلام، فانوس را می گیرد و با گاو به طرف طویله می رود ...

Adapted from: Gholam Hossein Saedi, "Gav (Cow)", Moein Publishing (1377/1998), pp. 14-19.

(TURN OVER)

SECTION C

4 Write an essay in **Persian** of **about 400 words** on **one** of the following topics [25 marks].

- (a) To what extent do you think that the dialogue between civilisations can bring peace to the world? Explain?
- (b) Discuss the concept of patriotism, referring to the story of “Paternal House” by Saeid Nafisi,.
- (c) Discuss one of the Persian books you have read recently and explain why you like or dislike it?

END OF PAPER